



## ظهور و آخرالزمان / آخرالزمان، دوره پایانی دنیا

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس منتظر امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می‌شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می‌شود.

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس منتظر امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می‌شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می‌شود.

به گزارش خیرگزاری مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان (عج)» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروسستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

«آخر زمان» که در کتاب‌های لغت به «دوره آخر» [۱] و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد» [۲] معنا شده است، در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملل و نحل به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و آنها با حساسیت و دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند. شاهد این موضوع، کتاب‌های فراوانی است که از دیر زمان در میان اقوام و ملل مختلف در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخرالزمان نوشته شده است.

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌السلام (ع) در زمینه آخرالزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده است، به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع‌آوری این روایات، در مجموعه‌های روایی [۲] به نگارش کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند که این کتاب‌ها معمولاً با عنوان‌هایی چون اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، علامات الساعة، علامات يوم القيامة، الفتن، الملاحم، الفتن و المحن، الفتن و الملاحم وhellip نامیده می‌شود. [۴]

در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در مورد اصطلاح «آخرالزمان» چنین آمده است: این اصطلاح در کتاب‌های حدیث و تفسیر در دو معنا به کار رفته است: نخست، همه آن قسمت از زمان که بنا بر عقیده مسلمانان، دوران نبوت پیامبر اسلام است و از آغاز نبوت پیامبر تا وقوع قیامت را شامل می‌شود. دوم، فقط آخرین بخش از دوران یاد شده که در آن، مهدی موعود ظهور می‌کند و تحولات عظیمی در عالم واقع می‌شود. [۵]

دلیل نام‌گذاری دوران نبوت پیامبر اسلام به آخرالزمان این بوده است که مسلمانان معتقدند آن حضرت، خاتم پیامبران است و شریعت وی تا پایان این عالم اعتبار دارد. به جز آن، از رسول اعظم (ص) روایاتی نقل شده که در آنها به صراحت آمده است دوران نبوت ایشان به قیامت و آخرین بخش از حیات کره خاک می‌پیوندد. در یکی از این روایات که از طریق اهل سنت نقل شده است، چنین می‌خوانیم: **إِنَّهُ قَالَ بَعْدَ مَا صَلَّى الْعَصْرَ مَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا فِيمَا مَضَى مِنْهَا إِلَّا كَمَا بَقِيَ مِنْ يَوْمِكُمْ هَذَا فِيمَا مَضَى مِنْهُ وَأَنَّهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: بُعِثْتُ وَأَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى.** [۶]

آن حضرت پس از فراغت از نماز عصر فرمود: «آنچه از [عمر] دنیا باقی مانده، به گذشته آن، همان نسبت را دارد که باقی‌مانده وقت امروز نسبت به گذشته آن دارد.» [همچنین] آن حضرت به یاران خود فرمود: «برگزیده شدم در حالی که میان من و قیامت فاصله نیست؛ همان سان که میان دو انگشت سبابه و وسطی فاصله نیست.»

چنان که گفته شد، دومین معنایی که اصطلاح آخرالزمان در آن به کار می‌رود، عصر ظهور حضرت مهدی (ع) است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، در آستانه ظهور آن حضرت که از آن با عنوان آخرالزمان یاد می‌شود، جهان دست‌خوش فتنه‌ها، آشوب‌ها و بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود و ستم و بی‌عدالتی همه جهان را فرا می‌گیرد. این وضعیت ادامه دارد تا زمانی که قائم‌السلام (ع) ظهور کند و با ظهور خود، جهان را از تیرگی ستم، فساد و تباهی برهاند.

شناخت آخرالزمان به این معنا، ضرورت انکارناپذیر روزگار ماست؛ زیرا بسیاری از نشانه‌های آخرالزمان در این عصر هویدا می‌شود و بیم آن می‌رود که با اندک غفلتی ما نیز در گرداب فتنه‌های فراگیری که به تعبیر روایات، چون رواندازی تیره، همه را دربرمی‌گیرد و کمتر کسی از آن در امان می‌ماند، فرو رویم. [۷] از این رو، بر همه لازم است که با تأمل دوباره در روایات آخرالزمان و شناخت عمیق‌تر و گسترده‌تر نشانه‌ها و ویژگی‌های آن، خود را از فتنه‌ها و آشوب‌های

این عصر و تا ظهور دولت حق در امان داریم.

نشانه های آخرالزمان

با توجه به آنچه گفته شد، در اینجا با بهره &rlm;گیری از دو روایت، برخی از نشانه های آخرالزمان را مرور می کنیم:

الف) در روایت نخست که سلمان (ره) آن را از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده، چنین آمده است:

در حجة الوداع، با رسول خدا درود خدا بر او و خاندانش باد مشغول انجام مناسک حج بودیم که حضرت، حلقه در کعبه را گرفت و رو به ما کرد و فرمود: آیا می خواهید شما را از نشانه ها و حوادث پیش از قیامت خبردار کنم؟

سلمان که از همه به ایشان نزدیک تر ایستاده بود، گفت: بلی یا رسول الله!

ایشان فرمود: از جمله آنها ضایع و تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوت ها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مال پرستان و فروختن دین به قیمت دنیاست. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانند نمک در آب حل می شود؛ چرا که منکرات، کژی ها و کاستی ها را می بیند و قدرت تغییر دادن آنها را ندارد.

سلمان پرسید: آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست، آری! و به دنبال آن حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و کارگزاران و کارشناسان ستم &rlm;کار پیدا می شوند و [مردم] به خیانت &rlm;کاران اعتماد می کنند.

آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم در دست اوست، آری! در آن زمان است که منکرها و انحراف ها، معروف و خوب و اعمال پسندیده، منکر و ناپسند شمرده می شود. شخص خائن، معتمد و شخص امین، خائن خوانده می شود. دروغ &rlm;گو را تأیید و راست &rlm;گو را طرد می کنند.

آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

قسم به آن که جانم در دستانش است، آری! در آن زمان است که زنان فرمان &rlm;روا می شوند و سروری می یابند. با زنان و کنیزکان مشورت می گردد و کودکان بر منبرها می نشینند و هر چیزی نهایتاً به دروغ ختم می شود. زکات و فیه که حق عمومی و همگانی است، غنیمت و بهره شخصی شمرده می شود. شخص به والدینش ستم می کند و در عین حال به دوستش، خدمت و نیکی. و آنجاست که ستاره گنه &rlm;کاری طلوع می کند.

آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم در دست اوست، آری! در چنین شرایطی است که مرد با همسرش در تجارت شریک می شود، خوی و عادت های شخصی و باطل زیاد و خوبی ها به شدت کم می شود. شخص به خاطر سخت &rlm;گیری به بده &rlm;کاران خود، تحقیر می شود. زمانی است که بازارها به هم نزدیک می شوند و یکی می گوید: چیزی نفروختم و دیگری می گوید: سودی نبردم و چیزی جز شکایت کردن از خدا دیده نخواهد شد.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم در دست اوست، آری! در آن زمان است که به دنبال این حوادث، اقوامی پیدا می شوند که اگر حرفی بزنند، کشته می شوند و اگر ساکت بمانند، غارتشان می کنند تا اینکه از اموالشان بهره &rlm;مند شوند و به حریم هایشان تجاوز کنند و حرمتشان را بشکنند و خونشان را بریزند. قلب های آنها کاملاً با ترس و حقه &rlm;بازی عجین گشته است و آنها را جز در حالت خوف و نگرانی و هراس و وحشت نمی یابی.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می آید و امت مرا رنگارنگ می کند. چه بیچاره اند کسانی که به خاطر آنها ضعیف می شوند و وای بر آنها که خدا چه برای آنها مهیا کرده چگونه در کمین آنهاست. نه به کوچک ترها رحم می کنند و نه به بزرگ ترها احترام می گذارند. از خطاکاران و گنه کاران در امان نیستند. بدن هایشان، بدن انسان و قلب هایشان، قلب شیطان است.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! سوگند به کسی که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان مردان تنها به مردان و زنان تنها به زنان [برای ارضای شهوات] مشغول می شوند. همانگونه که اهل خانه ای نسبت به دختران خانه خود احساس غیرت می کنند، [غریبه ها] نسبت به پسرکان جوان، غیور می گردند [و آنها را ناموس خود می شمرند]. مردان به زنان و زنان به مردان شبیه می شوند و زنان بر زین ها سوار می گردند که لعنت من بر چنین زنان مسلمانی باد!

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان مساجد را همانند کلیساها و کنیسه ها تزئین می کنند و قرآن ها را طلاکاری و زینت. مناره ها بلند می شوند و خطوط (دسته ها) زیاد می شوند. قلب هایشان نسبت به هم متنفر و در زبان هایشان، اختلاف نمایان است.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که مردان و پسران امتم برای زینت از طلا استفاده می کنند و حریر و دیبا و ابریشم می پوشند و با بیگانگان متحد می شوند.

آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان، ربا علنی می شود و با اجناس ممتاز، رشوه و معامله می کنند. دین رها می شود و مقام و منزلت دنیا [در نظر مردم] رفیع می گردد.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! هر چند به خدا ضرری نمی رسانند [، بلکه به خودشان ظلم می کنند]، لیکن طلاق زیاد می شود و حدود، اقامه و اجرا نمی شود.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان است که زنان آوازه rlm&خوان می شوند و آلات موسیقی جلوه می یابند و به دنبال آن اشرار امتم پیدا می شوند.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان ثروتمندان امتم برای تفریح و سیاحت، افراد عادی برای تجارت و کسب درآمد و فقرا برای ریا و خودنمایی به حج و عمره می روند. جمعیتی پیدا می شوند که تفکر و تدبیر و تفقه آنها برای غیر خدا [و اغراض غیرالهی] است. زنازادگان زیاد می شوند و قرآن را با آواز و غنا می خوانند و به خاطر دنیا بر سر هم می ریزند و با هم درگیر می شوند.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان به محارم تجاوز می کنند و به دنبال گناهان می روند. اشرار و بدان بر خوبان مسلط می شوند. دروغ علنی می شود و لجاجت نمایان می گردد. بیچارگی ها نمایان می شود.

با لباس‌ها به هم فخر می‌فروشنند و مباحثات می‌کنند و ظرف‌های ناشایست را پر می‌کنند. نرد و شطرنج و آلات موسیقی مورد پسند [مردم] واقع می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر را انکار می‌کنند، به طوری که مؤمن خوارتر از کنیز می‌گردد. هم‌دستی میان زاهد [نما]‌ها و قاریان [بدکردار] نمایان می‌شود. اینها همان‌ها هستند که در آسمان‌ها آنها را پلیدان ناپاک می‌خوانند.

آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان ثروتمند از وضعیت فقیر هراسان نمی‌شود، به طوری که گدا یک هفته کامل از مردم‌گدایی می‌کند، ولی کسی را که چیزی در دستش بگذارد، نمی‌یابد.

آیا حقیقتاً چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، آری! در آن زمان «روبیضه» به سخن می‌آید.

پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! «روبیضه» دیگر چیست؟

کسی که تا به حال صحبت نمی‌کرد، برای امور عموم مردم به سخن می‌آید و جز کمی از او فرمان نبرند.... [۸]

ب) روایت دوم، روایتی مفصلی است که در کتاب الکافی از امام صادق (ع) نقل شده است. امام صادق (ع) در ابتدای این روایت، در پاسخ یکی از یاران خود که با اشاره به برخورد تحقیرآمیز منصور عباسی با آن حضرت از ایشان می‌پرسد: «اینان تا کی باید سلطنت کنند و ما کی از [آزار آنها] راحت و آسایش می‌یابیم»، می‌فرماید: آیا نمی‌دانی که هر چیزی مدتی دارد؟ ...؛ آیا این سخن تو را سود می‌بخشد که بدان‌ی هرگاه زمان این امر [و پایان دولت آنان] فرا رسد، از چشم‌برهم‌زودتر رخ می‌دهد؟ اگر تو می‌دانستی که آنها در درگاه خداوند چه وضعی دارند، خشم تو نسبت به آنها بیشتر می‌شد. اگر تو یا [حتی] همه ساکنان زمین کوشش کنند که آنها را از نظر گناه به وضعی بدتر از آنچه اکنون در آن به سر می‌برند، درآورند، نمی‌توانند. پس [مراقب باش] شیطان تو را نلغزاند و پریشان نکند؛ زیرا عزت و سربلندی تنها از آن خدا، رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند. آیا نمی‌دانی هر کس منتظر امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می‌شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می‌شود.

آن‌گاه آن حضرت نشانه‌های آخرالزمان یا عصر ظهور دولت حق را چنین برشمرد:

[۱] آن‌گاه که دیدی حق مرده است و اهل حق از میان رفته اند؛

[۲] ستم همه جا را فرا گرفته است؛

[۳] قرآن فرسوده شده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهم آن به وجود آمده است؛

[۴] دین بی محتوا شده است، همانند ظرفی که آن را واژگون می‌سازند؛

[۵] اهل باطل بر اهل حق بزرگی می‌جویند؛

[۶] شر آشکار شده است و از آن نهی نمی‌شود و هر که کار زشت انجام دهد، معذورش می‌دارند؛

[۷] فسق آشکار شده است و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده می‌کنند؛

[۸] مؤمن، سکوت اختیار کرده است و سخنش را نمی‌پذیرند؛

[۹] فاسق دروغ می‌گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نمی‌گرداند؛

[۱۰] بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار می‌شمارد؛

[۱۱] پیوند خویشاوندی بریده می شود؛

[۱۲] هر که را به کار بد بستایند، خوش&rlm; حال می شود؛

[۱۳] پسر بچه همان می کند که زن می کند؛

[۱۴] زنان با زنان ازدواج می کنند؛

[۱۵] مداحی و چاپلوسی فراوان شده است؛

[۱۶] مرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نمی کند؛

[۱۷] چون شخص مؤمنی را ببیند، از کوشش او به خدا پناه برد؛

[۱۸] همسایه، همسایه خود را آزار می دهد و در این کار مانعی برای او نیست؛

[۱۹] کافر خوش&rlm; حال است از آنچه در مؤمن می بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی می بیند؛

[۲۰] آشکارا شراب بنوشند و کسانی که از خدای عزّ و جلّ نمی ترسند، برای نوشیدنش گرد هم آیند؛

[۲۱] امر به معروف&rlm;کننده خوار است؛

[۲۲] فاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومند و ستوده است؛

[۲۳] اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است؛

[۲۴] راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است؛

[۲۵] خانه کعبه تعطیل شده است و دستور به ترک آن داده می شود؛

[۲۶] مرد به زبان می گوید، آنچه را که به آن عمل نمی کند؛

[۲۷] مردان، خود را برای استفاده مردان فریه می کنند و زنان برای زنان؛

[۲۸] زندگی مرد از پس او اداره می شود و زندگی زن از فرج او؛

[۲۹] زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند؛

[۳۰] در میان فرزندان عباس، کارهای زنانگی آشکار می شود (و خود را مانند زنان زینت می کنند، همان&rlm;گونه که زن برای جلب نظر شوهرش، خود را آرایش می کند)؛

[۳۱] به مردها پول می دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند؛

[۳۲] توانگر از شخص باایمان عزیزتر است؛

[۳۳] رباخواری آشکار است و رباخوار سرزنش نمی شود؛

[۳۴] زن ها به زنا افتخار می کنند؛

[۳۵] زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند؛

- [۳۶] بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند؛
- [۳۷] مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می شود؛
- [۳۸] بدعت و زنا آشکار می شود؛
- [۳۹] مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند؛
- [۴۰] دستورهای دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می شود؛ [۴۱]. حلال، تحریم شود و حرام، مجاز؛
- [۴۲] مردم چنان در ارتکاب گناه گستاخ شده اند که منتظر رسیدن شب نیستند؛
- [۴۳] مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند، جز با قلب؛
- [۴۴] مال کلان در راه غضب الهی خرج می شود؛
- [۴۵] زمامداران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گیرند؛
- [۴۶] والیان در داوری رشوه می گیرند؛
- [۴۷] پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود؛
- [۴۸] مردم با محارم خود نزدیکی می کنند؛
- [۴۹] به تهمت و سوءظن، مرد به قتل می رسد؛
- [۵۰] مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خود و اموالش را در اختیار او می گذارد؛
- [۵۱] مرد به خاطر آمیزش با زنان سرزنش می شود (که چرا با مردان آمیزش نمی کند)؛
- [۵۲] مرد از کسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به آن تن می دهد؛
- [۵۳] زن بر مرد خود مسلط می شود و کاری را که مرد نمی خواهد، انجام می دهد و به شوهر خود خرجی می دهد؛
- [۵۴] مرد، زن و کنیزش را (برای زنا) کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد؛
- [۵۵]. سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می شود؛
- [۵۶]. قمار آشکار می شود؛
- [۵۷]. شراب را بدون مانع و آشکارا می فروشند؛
- [۵۸]. زنان مسلمان، خود را در اختیار کافران می گذارند؛
- [۵۹]. لهو و لعب آشکار می شود و کسی که از کنار آن می گذرد، از آن جلوگیری نمی کند (و کسی جرئت جلوگیری را ندارد)؛
- [۶۰]. کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند، مردم شریف را خوار می کند؛

- [۶۱] نزدیک ترین مردم به فرمان&rlm;روایان کسی است که به دشنام&rlm;گویی ما خانواده ستایش شود؛
- [۶۲] هرکس ما را دوست دارد، دروغ&rlm;گویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند؛
- [۶۳] مردم، در گفتن حرف زور و ناحق با همدیگر رقابت می کنند؛
- [۶۴] شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است؛
- [۶۵] همسایه، همسایه را از ترس زبانش گرامی می دارد؛
- [۶۶] حدود خدا تعطیل می شود و در آن به دلخواه خود عمل می کنند؛
- [۶۷] مساجد طلاکاری می شود؛
- [۶۸] راست گوترین مردم پیش آنها، مفتیان دروغ&rlm;گویند؛
- [۶۹] شر و سخن&rlm;چینی آشکار می شود؛
- [۷۰] ستم&rlm;کاری گسترش می یابد؛
- [۷۱] غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند؛
- [۷۲] برای غیر خدا به حج و جهاد می روند؛
- [۷۳] سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می کند؛
- [۷۴] خرابی و ویرانی بیش از آبادی است؛
- [۷۵] زندگی مرد از کم&rlm;فروشی اداره می شود؛
- [۷۶] خون&rlm;ریزی را آسان می شمارند؛
- [۷۷] مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذار کنند؛
- [۷۸] نماز را سبک می شمارند؛
- [۷۹] مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده، زکات آن را نپرداخته است؛
- [۸۰] قبر مرده ها را می شکافند و آنها را می آزارند و کفن هایشان را می فروشند؛
- [۸۱] آشوب بسیار می شود؛
- [۸۲] مرد روز خود را به نشئه (شراب) به شب می برد و شب را به مستی صبح می کند؛
- [۸۳] با حیوانات عمل زشت انجام می دهند؛
- [۸۴] حیوانات همدیگر را می درند؛
- [۸۵] مرد به مصلی می رود، ولی چون برمی&rlm;گردد، جامه در تن ندارد؛

- [۸۶] دل مردم سخت و چشمانشان خشک می شود و یاد خدا بر آنان سنگین می آید؛
- [۸۷] کسب های حرام گسترش می یابد و بر سر آن رقابت می کنند؛
- [۸۸] نمازخوان برای ریا و خودنمایی نماز می خواند؛
- [۸۹] فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و دنیا و ریاست، طلب می کند؛
- [۹۰] مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت دارد؛
- [۹۱] هر کس روزی حلال می جوید، سرزنش می شود و جوینده حرام، مورد ستایش و تعظیم است؛
- [۹۲] در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ rlm& کس آنها را از این کارهای زشت باز نمی دارد؛
- [۹۳] آلات لهو و لعب [حتی] در مکه و مدینه آشکار می شود؛
- [۹۴] مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند: این کار بر تو لازم نیست؛
- [۹۵] مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتدا می کنند؛
- [۹۶] راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود؛
- [۹۷] مرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی شود؛ [۹۸]. هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود؛
- [۹۹] مردم و انجمن ها پیروی نمی کنند، مگر از توانگران؛
- [۱۰۰] به فقیر چیزی می دهند، در حالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می کنند؛
- [۱۰۱] نشانه های آسمانی پدید می آید، ولی کسی از آن هراس ندارد؛
- [۱۰۲] مردم در حضور جمع، همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی می شوند و هیچکس از ترس، کار زشت را انکار نمی کند؛
- [۱۰۳] مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می ورزد؛
- [۱۰۴] آزار به پدر و مادر آشکار می شود و مقام آنها را سبک می شمارند و حال آنها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و از اینکه به آنها افترا زده شود، خوش rlm& حال می شوند؛
- [۱۰۵] زن ها بر حکومت چیره می شوند و پست های حساس را قبضه می کنند و کاری پیش نمی رود، جز آنچه به دلخواه آنان باشد؛
- [۱۰۶] پسر به پدر خود افترا می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و از مرگشان خوش rlm& حال می شود؛
- [۱۰۷] اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناه بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم rlm& فروشی یا انجام کار حرام یا می خوارگی، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بیهوده تلف شده است؛



[۱۰۸] سلطان، مواد غذایی را احتکار می کند؛

[۱۰۹] حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم می شود و بدان قماربازی و می خواری می کنند؛

[۱۱۰] با شراب درمان می کنند و بدان بهبودی می جویند؛

[۱۱۱] مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند؛

[۱۱۲] منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق، بی سر و صدا و خاموشند؛

[۱۱۳] برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند؛

[۱۱۴] مسجدها پر است از کسانی که از خدا ترس ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد، از شراب مست &rlm;کننده توصیف می کنند؛

[۱۱۵] شخص مست که از خرد تهی است، بر مردم پیش &rlm;نمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست شود، گرامی اش می دارند؛

[۱۱۶] هر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می ستایند؛

[۱۱۷] قاضیان به خلاف دستور خدا داوری می کنند؛

[۱۱۸] زمام &rlm;داران از روی طمع، خیانت &rlm;کاران را امین خود می سازند؛

[۱۱۹] میراث (یتیمان) را فرمان &rlm;روایان به دست افراد بدکار و بی &rlm;باک نسبت به خدا داده اند، از آنها حق حساب می گیرند و زمام آنها را رها می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند؛

[۱۲۰] بر فراز منبرها، مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند؛

[۱۲۱] وقت نمازها را سبک می شمارند؛

[۱۲۲] صدقه را به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آنها می پردازند؛

[۱۲۳] تمام همّ و غمّ مردم، شکم و عورتشان است. باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند؛

[۱۲۴] دنیا به آنها روی آورده است؛

[۱۲۵] نشانه های حق کهنه گشته است.

امام صادق (ع) پس از پیش &rlm;بینی این حوادث، خطاب به راوی فرمود: در چنین زمانی مراقب خود باش. نجات خود را از خداوند بخواه (فرج نزدیک است) و بدان که مردم با این نافرمانی ها سزاوار عذابند. اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میان آنها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفی که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می بینند، بیرون بیایی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند: «وَإِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ لَاقْرَبُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ». [۹] پی نوشتها:

[۱]. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴.

[۲]. لغت &rlm;نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۲.

[۳]. ر. ک: بحارالانوار، ج ۶، صص ۲۹۵ ۳۱۶ و ج ۵۲، صص ۱۸۱ ۲۷۸؛ صحیح البخاری، ج ۸، کتاب الفتن، صص ۸۶۱۰۴؛ ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۴۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵؛ سنن ابی داود، ج ۳، صص ۹۷ ۱۲۸؛ صحیح مسلم، ج ۹، صص ۳۲۵ ۴۲۶ و ج ۱، ص ۷۵، فتنه الأحلاس.

[۴]. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: ابراهیم شفیعی سروسستانی، «آخرالزمان؛ شناسی در آثار اسلامی»، مندرج در کتاب پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان (مجموعه مقالات).

[۵]. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول: تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۴.

[۶]. تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۱۱۱۰.

[۷]. ر. ک: ابن کثیر الدمشقی، النهاية فی الفتن و الملاحم، تصحیح: احمد عبدالشافی، چاپ دوم: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ هـ. ق، ص ۳۶، «فتنة الأحلاس».

[۸]. بحارالانوار، ج ۶، صص ۳۰۵ ۳۰۹؛ منتخب الأثر، ج ۳، صص ۳۰ ۳۳، ج ۹۲۰.

[۹]. الکافی، ج ۸، صص ۳۶ ۴۲، ج ۷؛ بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۴ ۲۶۰.